

به نظر میرسه  
مباشر هانس وظیفش و  
به درستی انجام نداده



ما حتی شواهدی  
مبنی بر اختلاس و  
بدست آوردیم.

من اینو میدونم...



از شر اینا  
خلاص شو و مطمئن شو  
مجازات میشه

بله، مادام!



از امروز به بعد،  
من مسئول بیمارستان  
نظامی هستم.







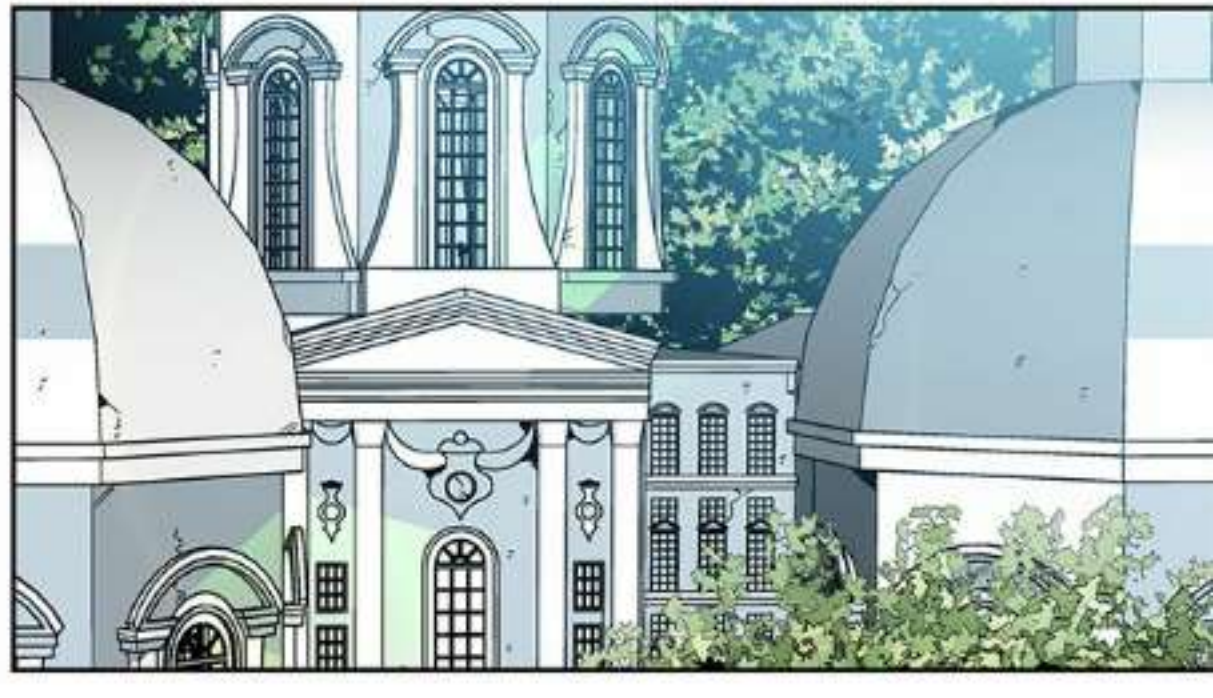
Episode

56

مترجم: Mehrnaz

ادیتور: Mira

کاری از  
تیم: Miranka





ولی هنوز لوازم  
کافی نداریم.



گلوله ها، سلاح ها،  
لباس و غذا. موارد دیگه  
هم هستن که نیاز  
به بودجه نظامی دارن.



نمیتونم کورکورانه  
ازشون بخوام بودجه و  
افزایش بدن.



برداشتن



ممکنه خانوادم به  
اندازه چایلد هاوس  
ثروتمند نباشه...





...ولی باید بتونیم تا  
جایی که در توان داریم  
این قضیه و حل کنیم

شتابان نوشتن



و پدر همیشه  
میگه...

"خانواده ما این ثروت و  
بیش از ۳۰۰ سال به عنوان  
کارهای فداکارانه ای که برای  
امپراتوری انجام داده جمع کرده.  
کار درست اینه که این پول و  
به مردم برگردونیم"



مطمئنم  
درخواستم و  
قبول میکنه









بانویی با چراغ...



لطفا، قوی بمون.

م، ممنون.

من بهتر میشم؟



لمس کردن

بله، پیش خانوادت  
برمیگردی. مطمئنم میشه  
که این اتفاق بیفته







گریان



خیلی ممنونم.

واقعا...

ممنونم...



بانویی با  
چراغ...



زمزمه



زمزمه یک سرباز خیلی  
زود در بین نیروهای  
امپراتوری پخش شد.

کسانی که بهبود پیدا کرده  
بودند، هنگام بازگشت به  
جبهه نبرد، از او سخن  
میگفتن و بسیاری از آنها تحت  
تأثیر اعمال او قرار گرفتند.



خیلی زود،  
داستانش حتی به  
جزیره بریتیا رسید.

میگن هاوس کلارنس  
پول لوازم پزشکی برای سربازای  
مارو پرداخت کرده.



باید بهشون  
پیوندیم

این بخاطر  
خانوادهامونه.





لوازمی که  
از طرف خانوادم  
فرستاده شدن...



...همراه با کمک های  
مردم امپراتوری؟!!

شگفت انگیزه! با  
این مقدار زیاد،  
وسایلامون به این زودی  
ها تموم نمیشه.



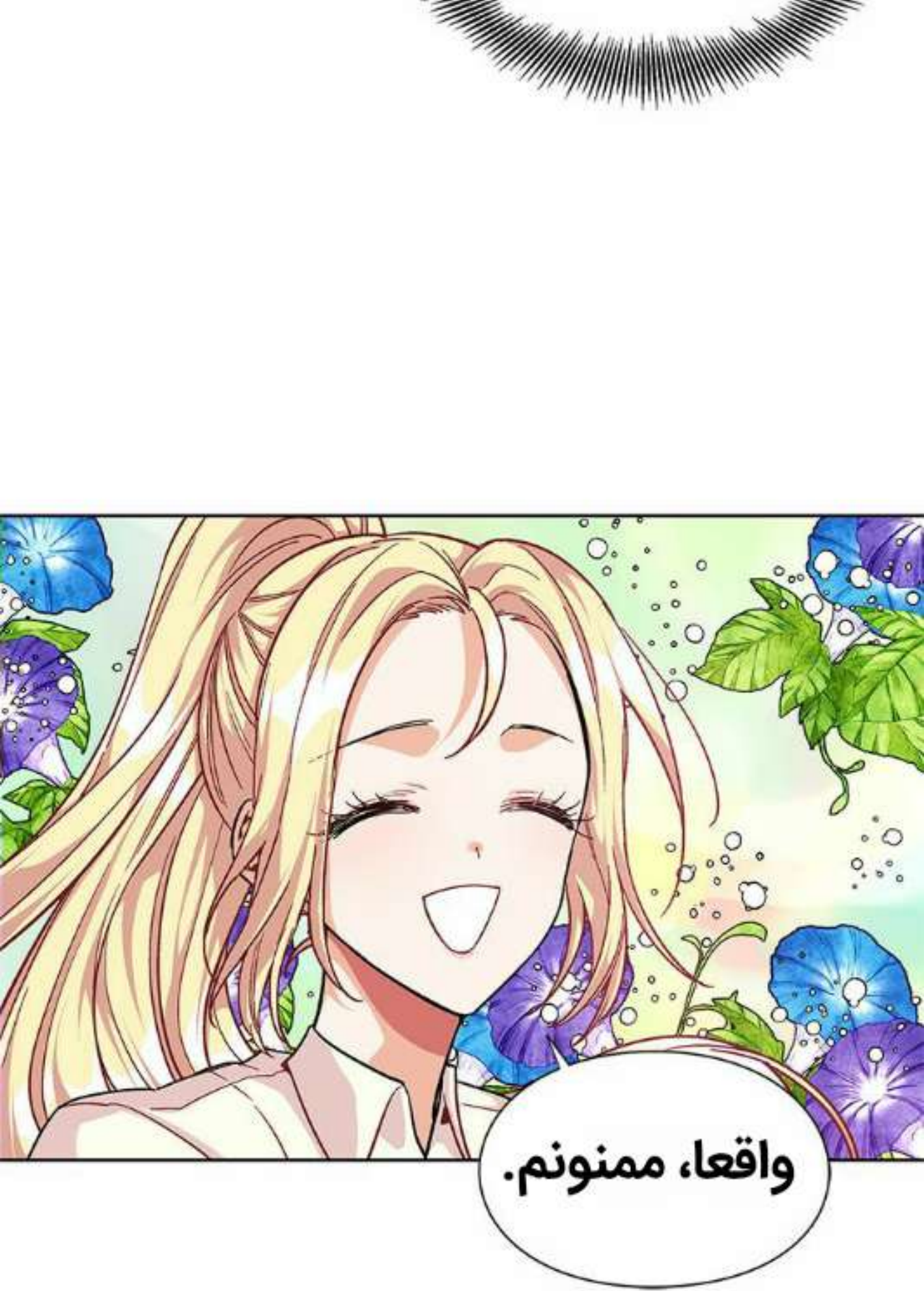
ما رسیدیم، مادام.











واقعا، ممنونم.



دو ماه گذشته، و  
سربازای امپراتوری تحت  
فرماندهی شاهزاده  
لیندن پیشرفت کردن.

جنگ همه جانبه‌ای به  
رهبری لوییس نیکلاس  
بین سربازان امپراتوری  
و ارتش جمهوری درگرفت

اگرچه، به لطف دستورات  
خردمندانه شاهزاده لیندن،  
به نظر میرسه نبرد طرف  
جبهه امپراتوریه.



نیروهای شرقی توانستند  
بر دژ اصلی دشمن چیره  
شوند و پیشروی به سمت  
جنوب را ادامه دهند.



در همان حال، الیزه  
در حال ارتقای شرایط  
ارتش پزشکی با کمک  
و حمایت همه بود.



آنها با هم کار میکردند  
تا مجروحان و با توجه به  
درد هاشون درمان کنند

و سپس، سه  
ماه بعد-

این گزارش پروژه  
کاهش آمار مرگ و میر  
دکتر الیزه هست.







...این حقیقت  
داره؟



واقعا؟ %۲؟ نباید  
%۲۰ باشه؟

منم نمی تونستم  
باور کنم، ولی حقیقت  
داره.

خیلی از مجروحان  
تونستن به جبهه  
نبرد برگردن.



از %۴۲ به %۲



آمار مرگ و میر  
فقط در سه ماه ۲۰ مرتبه  
کاهش یافته.







الیزه،  
تو...

...همیشه  
منو با این معجزات حمایت  
میکنی

اگر آمار مرگ ۲٪  
هست، به این معنی نیست  
که بیشتر مجروحان  
زنده موندن؟

دانش پزشکی مادام  
الیزه یه موهبت  
الهیة، واقعا

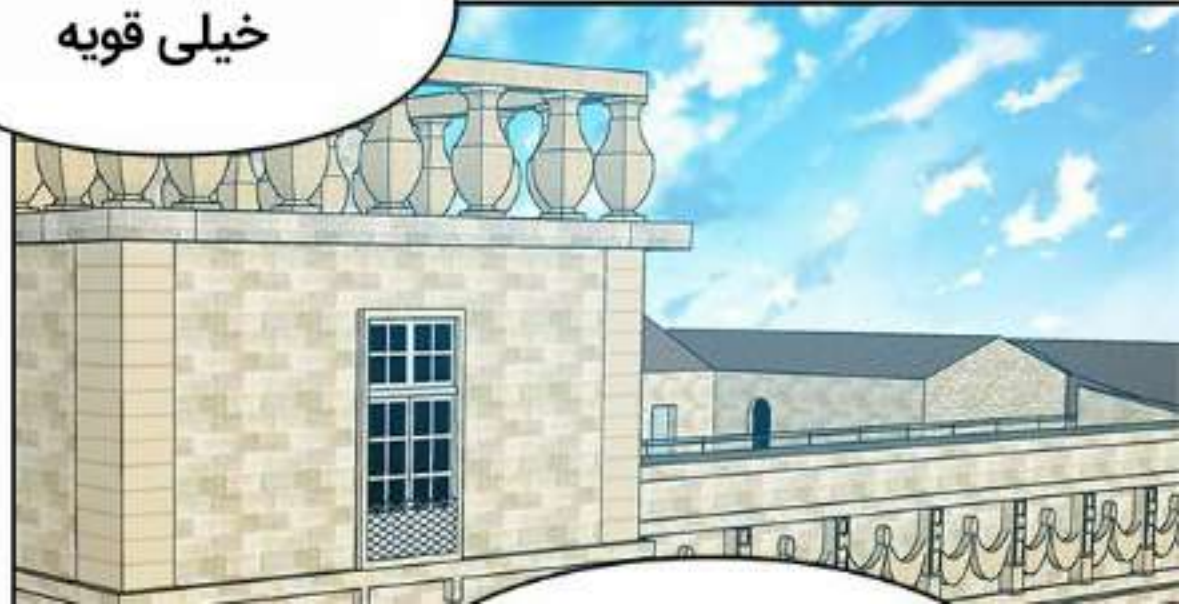
و همچنین روحیه  
سربازا بالاست



همونطور که از شاهزاده  
انتظار میرفت. اون با چنین پروژه  
شوکه کننده ای پیش رفت چون  
میدونست که اون (الیزه) میتونست  
انجامش بده

شبه جزیره کریم

مقر دفاعی دشمن  
خیلی قویه





هرچی نباشه اون شاهزاده  
آهنیه. ما نمیتونیم فقط از  
مانع رد شیم.

و اون شمشیر زن چیره  
دست در دسر سازه.

وقتی در مکان های تنگ و  
شلوغیم، اون و شوالیه های شمشیر  
زنش بلافاصله از حمله آنورا برای  
در هم شکستن آرایش ما  
استفاده میکنن.

ما در عصر اسلحه و توپیم ،  
با اینحال هنوز نمیتونیم چند  
تا سرباز که از شمشیر استفاده  
میکنن و شکست بدیم.

شوالیه های آنورا یادگار  
های ساده از عصر قدیم هستن.  
ولی هنوز هم میتونن گلوله  
هارو دفع کنن.

شوالیه های آنورا  
وحشتناکن، ولی این همون  
قدرت های دگرگونی  
رومانف هست.

شاهزاده آهنی هنوز وارد  
جنگ نشده ، ولی ما یه برنامه  
پشتیبانی برای وقتی که وارد  
شد لازم داریم.



کوبیدن



ما باید با همه ی قدرت  
حمله کنیم!

سربازای ما از اونا  
بیشترن!



اگر با تمام قدرت به  
یکباره حمله کنیم، حتی لشکر  
امپراتوری هم نمیتونه در برابرمون  
مقاومت کنن!

...

سکوت-----





شما چی فکر  
میکنید؟



عالیجناب.

همم...

ژنرال، درباره  
"بانویی با چراغ" چیزی  
شنیدید؟

ببخشید؟ این  
به همسر آینده شاهزاده  
برنمیگرده؟

من شنیدم اون در  
بیمارستان نظامی نزدیک  
مرکز فرماندهی لشکر  
امپراتوریه.





با این حساب  
اون باید در کوفسکی  
باشه

سه نیروی  
دشمن در کجا قرار  
دارند؟

نیروهای غربی در  
ویتران، و ارتش اصلی در  
کوفسکی قرار داره.

در شرق، سربازاشون  
تمام راه و تا کنار وُکنی  
پایین اومدن



خوبه، این عالیه



به هر سه تا نیرو  
هایشون یکدفعه ای حمله میکنیم،  
سربازامون و هم در غرب و هم در  
شرق متمرکز میکنیم.

بهبش میگن "عملیات  
\*استخوان سندان".

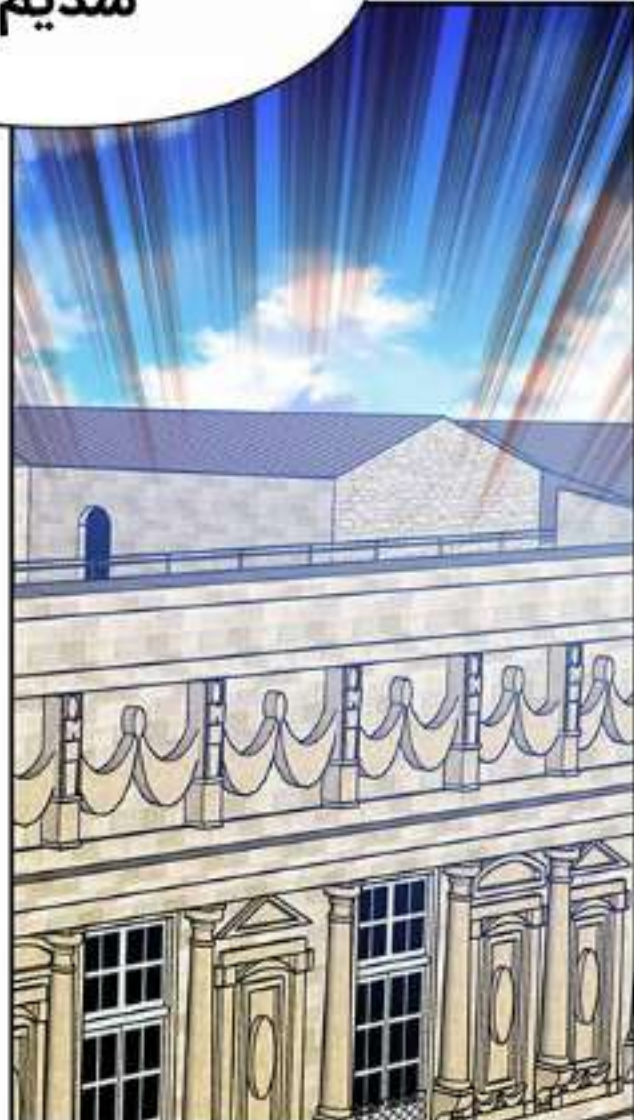
مترجم: \*اسم به تکنیکه که توی دو  
چپتر بعد توضیح کامل تری داده میشه



حمله همه جانبه...!



بله، عالیجناب. متوجه شدیم!



من سه ماه صبر کردم.  
عمدا دفاع دژ و ضعیف کردم تا  
دشمن تو دام بیفته



ولی به حمله همه جانبه  
ساده کافی نیست. باید یادمون  
باشه در برابر کی داریم  
می جنگیم.

حالا چی میگی،  
شاهزاده آهنی؟

Cofske

Titran

میتونم به محض اینکه  
این عملیات تموم شد  
اون و ببینم.







ادامه دارد...